

اقتصاد آموزش و پرورش و نظریه های آن

رسول داودی^۱، رفعت عطاری*^۲، حسین کریمی^۳

۱- گروه علوم تربیتی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

۲- گروه علوم تربیتی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران، rafatattari@yahoo.com

۳- گروه علوم تربیتی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

چکیده

اقتصاد آموزش و پرورش از دو واژه «اقتصاد» و «آموزش و پرورش» ترکیب شده است که به تبع تلقی از واژه اقتصاد در حوزه علم اقتصاد و از منظر «آموزش و پرورش» در حیطه علوم تربیتی قرار دارد. ولی این علم ترکیبی، کاربرد علم اقتصاد در نظام آموزش و پرورش را مورد توجه قرار می دهد و آموزش و پرورش را قادر می سازد تا ضمن به کارگیری منطقی یافته های علم اقتصاد، آموزش و پرورش با کیفیت را با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار دهد و شرایطی را فراهم می سازد تا تربیت یافتگان آموزش و پرورش یعنی انسان ها، با بهره گیری و تأثیر و تأثری که از «آموزش و پرورش»، «محیط زیست»، «بهداشت و تغذیه»، «اشتغال»، و آزادی سیاسی و اقتصادی به عمل می آورند خود را به منابع انسانی و سرمایه انسانی در جامعه تبدیل کنند. منابعی که خود در چرخه مستمر هدایت منابع جامعه به سوی توسعه و سعادت نقش اصلی را دارد و در راه وصول به توسعه پایدار و ضمن بهره گرفتن از فرهنگ خودی اقدام به تنظیم روابط منابع جامعه و زایش و پخش عناصر توسعه در تمامی ابعاد میکند و بالاخره، اقتصاد آموزش و پرورش ده ها سؤال مطرح و پاسخ آن را از آموزش و پرورش طلب میکند. در این مقاله به بررسی موضوع اقتصاد آموزش و پرورش و نظریه های آن پرداخته ایم.

واژه های کلیدی: اقتصاد، آموزش و پرورش، سرمایه انسانی، مخارج آموزشی

۱- مقدمه

آموزش و پرورش مدرن و معاصر در ایران، به قدمتی تقریباً یکصد ساله، بخش متناهی از منابع این دوره از تاریخ کشورمان را به خود اختصاص داده است. علیرغم اینکه در این نظام یکی از اصیل ترین و وسیع ترین قشر فرهنگی تاریخ، یعنی معلمان، شرکت داشته اند و همه نهادها، گروه ها و آحاد جامعه به نوعی در تحقق اهداف آن مشارکت دارند، با این وجود اکنون با بغرنج ترین مشکلات و چالش ها مواجه می باشد، به گونه ای که بسیاری از محققان و اندیشمندان جامعه، ریشه اغلب مشکلات، نابه سامانی ها، نارسایی ها و بحران های اجتماعی را در سیستم و فرآیند آموزشی جستجو و معرفی می کنند. گفته شده قریب ۱۵ درصد بودجه کشور در آموزش و پرورش به مصرف می رسد و از این جهت شاید بیشترین سهم بودجه دولتی را - صرف نظر از گستره کمی آن - به خود اختصاص داده است. با این وجود، به رغم زحمات فراوان و بی شائبه قاطبه معلمان، که به استناد قرائین موجود و نظرسنجی ها، در مقایسه با کارمندان سایر سازمان ها و نهادهای دولتی، بیشترین کار مفید را به انجام می رسانند، میزان کارآمدی و اثربخشی آن به سبب نارضایتی عمومی از کیفیت خروجی های آن، پیوسته معروض توجه و انتقاد بسیاری از ناظران و صاحب نظران واقع شده است. به زعم منتقدان، نظام فعلی آموزش و پرورش پاسخ گوی خیل عظیم مطالبات، نیازها و انتظارات جامعه نیست و نیازمند اصلاحات جدی و اساسی است و استدلال می کنند که با رویکردهای منسوخ و متصلب کنونی و بدون توجه به نیازها و تقاضاهای اجتماعی و محیطی (ملی و فراملی) روزافزون، نمی توان از نهاد مزبور خواست رسالت و کارکردهای اساسی خود را اجرا کند. نیز، استدلال شده اگر قرار است جامعه در حال گذار ایران به سلامت از گردنه های صعب العبور تغییرات اجتماعی گذر کند، شایسته است که نظام آموزش و پرورش صرف نظر از تأخیرهایی که تاکنون در ورود به عرصه مهندسی اجتماعی داشته است، مسئولیت و سهم بیشتری در قبال جامعه بر عهده گیرد و نقش جدی تری را